

Subject:

Year:

Month:

Date:

خدمات پس از فروش - زبائن - بنزین - پمپ بنزین

آتش نشانی - رعد برق - فروش بی محل

هزینه ی برق - گران - وکیل

رفتم بنزین بنزین دارم گفتیم پول بنزین پس انداز می لفر بدستیم

اعداد برق گرفت ما سیم خراب شد رفتم خدمات پس از فروش با دیدم

دیدم خنجر گران است زبان می لفر گفتیم دیدم از سون شکایت کنر برای همین

وکیل کر رفتم گفتیم قلمی بدم خانه ی مادرم آس رسته بخورم بپواییدم

با سودم دیدم فروش بی محل داره می خواند همان لحظه اسمم هورنید

ببین خانه مادرم آمد در کلاسیم ای وای بدبختی سدم پول ندارم

دلارا آخانجای

رباعانه شیرازی

هزینه‌های اجاره - ^① رهن آباد - بازنگر - هزینه مسافرت

قریه - بانک سامان - جوراب سورخ - قلک -

حاجی ارزونی

یک روز بارانی در مزرع آباد بابا از مغازه‌ی حاجی ارزونی
به خانه برگشت گفت جوراب حاجی ارزونی سورخ بودی

قلکم را آوردن و به پدر گفت که هزینه‌ی اجاره‌ی

این ماه خانه با من و بابایم در جواب گشت برو چه بازنگر

ضربی هست ولی نیاز نیست زیرا وقتی داشتم به خانه‌ی

آدم در راه خرید کردم و بعد به پاپک سامان

رفتم در آنجا به من گفتند باید برای پولی که در بانک
گذاشته ام هزینه مسافرت بدهم و بعد تبدیلات

بجزیره وینتیک را دیدم